

رای ما: آزادی کارگران زندانی

فرزانه دارابی

یکشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۸۸

در حالی که بیش از یک ماه از دستگیرهای گسترده تجمع‌های اعتراضی کارگران روز اول ماه مه می‌گذرد، مراجع قانون اگر چه تحت فشار افکار عمومی چند تن از کارگران را طی مراحل آزاد کردند، اما از سویی با هجوم و دستگیری به اعضای خانواده‌های زندانی، چهره واقعی خود را عریان‌تر به نمایش گذاشتند...

دروغای انتخابات دهمین رییس جمهوری کشور، بسیاری از اتفاقات خشونت بارکم رنگ و بعضاً نادیده گرفته می‌شود. خیر دستگیری خانواده‌های زندانیان اول ماه مه، در کمتر رسانه‌ی منعکس شده و بی‌تفاوتی رسانه‌ها در مقابل چنان فاجعه‌های دردناکی بی‌گمان چشم بستن بر واقعیات جامعه‌ی است که در تجاوزی آشکار، دفاع از بدیهی‌ترین حقوق انسانی‌اش به دست فراموشی سپرده می‌شود.

همین اغماض و چشم پوشی بر حقوق زندانیان، فضایی را برای مقام‌های امنیتی به وجود آورده که بی‌مهابا خانواده‌های بی‌گناه زندانیان دستگیر شده اول ماه مه را دستگیر و زندانی کنند. همسران و بستگان زندانیان در حالی همچنان در بازداشتگاه‌های دادگاه انقلاب بلاتکلیف به سر می‌برند که رسانه‌های جمعی به جای طرح خواسته‌های آنان به بنگاه تبلیغاتی نامزدان ریاست جمهوری تبدیل شده‌اند.

طرفه این‌که، در چنان فضایی که "تبردار واقعه را دست خسته به فرمان نیست" همگان را به پای صندوق‌های رای می‌خوانند تا در نهایت با انتخاب اصلح - بد از بدتر - دست آورده‌های خود را به مزایده بگذارند. غافل از این که استدلال "بد و بدتر" از اساس یک برهان متناقض است. انتخاب بد از بدتر که تحت عنوان انتخاب اصلح جامعه‌ی تقدس به خود می‌پوشاند، در واقع حاصل تناقضاتی است که در شرایط جهانی و تضاد منافع شرکاء در نحوه مدیریت بحران به آنان تحمیل شده است و سریال‌های مناظره‌های تلویزیونی که برای بیرون راندن رقیب تندروتر به راه انداخته شده در حقیقت از سه زاویه توسط سه کاندیدا و اسپانسرهای آن‌ها برای مات کردن تندروترین و کاندیدایی سامان داده می‌شود که طی چهار سال مراکز تصمیم‌گیری را با پشتوانه اقدامات پوپولیتی‌اش فتح کرده و امروز با چماق تکفیر روبرو شده است.

مناظره‌های تلویزیونی به عنوان اقدامی نادر و بی‌سابقه، بی‌گمان قابل تامل و درخور تحسین است. اما در نتیجه آن وقاحت و عبور از خط قرمزها بر نجابت و فرهیختگی منتخب اصلح غلبه کرد تا جایی که توانست کلیه کارت‌های برنده تکفیر کننده‌ها را به نفع خود مصادره کند.

حکومت نخبگان که پیوسته از زبان منتخب اصلح زمزمه می‌شود، مدلی آرمانی و افلاطونی است که از دیرباز با نحوه اداره دموکراتیک و چند صدایی جوامع امروزی منافات داشته. اگر چه بنیان‌های فکری نظام حکومتی مملکت بر چنین باورالیت گرایانه‌ی استوار است اما ناتوانی‌اش در مهار جریان‌های فرصت‌طلب که با مجوزهای مشروع تحت عناوین عناصر خودسر یا لباس شخصی عرصه بر مردم تنگ کرده‌اند، نه تنها مشروعیتی برای حکومت کسب نکرد بلکه ناکار آمدی چنین مدلی را بیش از پیش عیان کرده و نشان داده که گروه‌های فشار، منطق نهایی حکومت‌های نخبه‌گرایانه هستند.

تجربه جوامع پیشرفته که از نظام‌هایی تثبیت شده برخوردارند، حاکی از این است که تنها ضامن اصل بقای و مشروعیت حکومت‌ها، تشکل‌های واقعی و آزادی هستند که با پاسخ گو کردن نهادهای حکومتی اعمال سلیقه‌های فردی را محدود کرده‌اند. کارگران در چنین شرایطی ضمن نقد دست‌آوردهای موجود، حق برپایی تشکل‌های آزاد را در صدر مطالبات خود قرار می‌دهند و بالاتر از تمامی صحنه گردانی‌ها و تضادهایی که شکاف شرکاء حکومتی را عریان‌تر کرده، بر خواسته‌های خود پا می‌فشارند.

دفاع از جناح‌های رقیب که هیچ‌گاه در سرکوب و اعمال خشونت کوتاه نیامده‌اند، برای کارگران جز تفرقه و چند دستگی حاصلی نداشته است. کارگران ضمن نقد و تحلیل منافع و جریان‌های حاکم بر سرنوشت خود، هیچ‌گاه در یارگیری "خانه کارگر" که به دفاع

جناح آریستوکرات برخواسته دخالت نمی‌کنند. برای متولیان خانه کارگر همین بس که هنوز ننگ چاقوکشی و یورش به تجمع سندیکای اتوبوس‌رانی را بر چهره دارند. پشتیبانی خانه کارگر از کاندیدایی وحیه المله اقدامات خصمانه متولیان آنان را بر علیه کارگران توجیه نمی‌کند. نمایندگان واقعی کارگران را امروز باید در زندان‌ها جست‌وجو کرد. نمایندگان کارگران کسانی هستند که در طول دهه‌های گذشته همواره با زندان و ضرب و شتم روبرو بوده‌اند. ما کارگران از دیرباز مطالبات خود را پیرامون آزادی حق تشکل‌های مستقل کارگری، آزادی حق اعتصاب و اعتراض نسبت به سرنوشت خود را اعلام داشته‌ایم و خواستار آزادی بی‌قید و شرط کارگران زندانی هستیم. نمایندگان دولت‌ها، نماینده حقوق کارگران نیستند. آن‌ها متعهدند با توجه به پذیرش میثاق‌های سازمان جهانی کار "ILO" حق برپایی تشکل‌های آزاد کارگری را تضمین کنند.

(فرزانه دارابی)

یکی از اعضاء کمیته پیگیری ایجاد تشکل‌های آزاد کارگری

۱۳۸۸/۳/۱۷